

## پاره‌ای ویزگیهای دستوری گویش دری، گونه‌ی زین آبادی

زین آباد، آبادی کوچکی است سر راه اصلی یزد به نفت بفاصله ۲۰ کیلومتر از شهرستان یزد، تلفظ محلی نام آن Zenubud است. مردم آن که همه زردشتی هستند به گونه‌ای از زبان زردشتیان یزد که خود آنرا دری می‌نامند سخن می‌گویند. علاوه بر این، فارسی را هنگام گفت و شنود با فارسی زبانان بکار می‌برند. زبان زردشتیان یزد به سبب آمیزش گسترده گویشوران آن با فارسی زبانان و نیز بهره‌وری فراوان از رسانه‌های گروهی و هم‌چنین به علت برخی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آمیختگی بسیار با فارسی پیدا کرده بطوریکه آهنگ ضعیف شدن و حتی فراموش شدن آن روز بروز تندتر می‌گردد ولی گونه‌ی دری زین آبادی که کمتر زیر نفوذ عوامل بالا بوده است بمراتب پاک‌تر و دست‌نخورده‌تر از گونه‌ی دری یزد باقی مانده است بطوریکه در پاره‌ای مواقع درک آن برای زردشتیان یزد مشکل می‌نماید. تفاوت این دو گونه با یکدیگر بیشتر در سطح آوایی (فونتیک)، فونولوژی، واژگان و تا حدی دستوری است. روی گونه‌ی دری‌یرد پژوهش‌هایی بوسیله پژوهشگران خارجی و داخلی انجام شده‌ است ولی در مورد گونه‌ی زین آبادی، این اولین کاری است که ارائه می‌شود. بخش دوم این گفتار که شامل تحلیل آوایی و واجی (فونولوژیکی) این گونه است در گفتاری جداگانه خواهد آمد. امید است که این بررسی بتواند پایه‌ای باشد برای بررسی‌های گسترده‌تر درباره‌ی گونه‌های گویش دری. بدون شک این گونه بررسی‌ها، برای مطالعه‌ی دیگر زبانها و گویش‌های ایرانی چه همزمانی (Synchronic) و چه در زمانی (Diachronic)، چه تاریخی و چه تطبیقی می‌تواند بسیار سودمند باشد.

۱- رجوع شود به کتاب شناسی

۲- در اینجا لازم میدانم که از خانمها پری مزداپور و کتابیون مزداپور که در ضبط و بازبینی مواد اولیه و نیز معرفی گویشوران مورد استفاده این پژوهش، همکاری داشتند و هم‌چنین از خانمها سروردلیری، دلبر کاووسی، بانوکاوسی گویشوران زین آبادی که با پاسخ‌گویی به پرسشهای پژوهنده برای گردآوری مواد اولیه کمک فراوان کردند سپاسگزارى نمایم.

## الف - فعل

ساختمان فعل ازدو بخش متمایز تشکیل میشود: ۱- سناک ۲- شناسه های صرفی  
۱- سناک

افعال دارای د؛ سناک گذشته و حال هستند که هر یک از آنها در ساختمان زمان ویژه ای بکار میرود.

نشانه مصدر [-vun] است و پیش از این جزء همیشه / d / یا / t / قرار

دارد:

dâvodvun دویدن

Kartvun کردن

با انداختن پسوند مصدری از پایان مصدر، سوم شخص مفرد گذشته ساده و

نیز با حذف جزء / d / یا / t / سناک گذشته بدست میآید.

سناک حال در بیشتر افعال با دگرگونیهای واجی سناک گذشته بدست میآید.

مثال: سناک حال سناک گذشته

(داشتن) došt<sup>1</sup>vun doš dor

(بودن) bōdvun bō bā

(شدن، رفتن) šodvun šo šā

اما در برخی افعال دگرگونیهای واجی دوسناک بحدی است که میتوان گمان برد

که دو سناک از دوریسه جدا باشند، مانند:

سناک حال سناک گذشته  
Xostvun<sup>۲</sup> vist u (خواستن)

didvun li vin (دیدن)

## ۲- شناسه های صرفی

شناسه های صرفی که دستگاه صرف فعل را تشکیل میدهند از نظر ارتباط با سناک

بدو دسته تقسیم میگردند:

۱- شناسه هایی که همیشه پیش از سناک قرار میگیرند.

۱- بعلت محدود بودن مواد اولیه پژوهش، نمیتوان این دگرگونیها را در اینجا طبقه

بندی کرد و قواعد مشخصی برای آنها بدست داد.

۲- این مصدر به رت قیاسی و به تقلید از فارسی ساخته شده و در زبان کار برد ندارد.

- ۲- شناسه هائی که همیشه بصورت پسوند بدنبال ستاک می چسبند .  
 ۲-۱- شناسه های زیر همیشه پیش از ستاک میآیند .

۲-۱-۱

شخص	مفرد	جمع
اول	om	mo
دوم	od	do
سوم	oš	so

جدول شماره ۱

Omxart	خوردم
odxart	خوردی
ošxart	خورد
moxart	خوردیم
doxart	خوردید
šoxart	خوردند

\* اگر ضمیر شخصی جدا در جایگاه فاعل باشد شناسه بدنبال ضمیر می چسبند :

m ɛ m <sup>l</sup>	di	من دیدم
tād	di	تو دیدی
inoš	di	او دید
mōmo <sup>l</sup>	di	ما دیدیم
šmōdo	di	شما دیدید
iy ɛ šo	di	آنها دیدند

m ɛ m	nadi	من ندیدم
tād	nadi	تو ندیدی
inoš	nadi	او ندید
mōmo	nadi	ما ندیدیم
šmōdo	nadi	شما ندیدید
iy ɛ šo	nadi	آنها ندیدند

اگر علاوه بر ضمیر شخصی جدا، اجزاء دیگری مانند ضمیر مفعولی، مفعول بسی واسطه یا با واسطه همراه با فعل باشد شناسه بدنبال جزئی که بفعل نزدیک تراست میآید:

mɛ	iyɛ m	di	من آنها را دیدم
iyɛ	šomšo	xârt	آنها شام خوردند
mɛ	šomom	xârt	من شام خوردم
in	mɛ š	di	او مرا دید
šmō	mōdo	di	شما ما را دیدید
in	šmōš	di	او شما را دید
mɛ	tâm	di	من تو را دیدم
Mɛ	in tu kœ	xâšom di	من او را در خانه خودش دیدم
in	šmōš	bart	او شما را برد
šmō	mōdo	bart	شما ما را بردید
tâ	inod	bart	تو او را بردی

در صورتیکه جزء پیش از شناسه به واکه پایان یافته باشد، واکه آغازی شناسه های

مفرد می افتند و شناسه هابصورت -m و -d و -š در میآیند. مانند:

mɛ m	di	من دیدم
in	šmōš bart	او شما را برد
tâd	di	تو دیدی

شخص	مفرد	جمع
اول	me	mo
دوم	de	do
سوم	še	šo

جدول ۲

پاورقی صفحه قبل  
 ۱- درگونه دری زین آبادی نوع /e/ وجود دارد یکی /e/ که همانند e فارسی تهران و دیگر /ɛ/ که بازتر از e فارسی و کشیده است و باɛ اصلی (کاردینال) تاحدی یکسان است اختلاف ایندو واجی است. و نیز ۲ نوع /o/ دیده میشود یکی /o/ که همانند o فارسی تهران و دیگر /ō/ که بسته تراز o فارسی و کشیده است. اختلاف ایندو نیز واجی است.

مثال :

mexart	می خوردم
dexart	می خوردی
šexart	می خورد
moxart	می خوردیم
doxart	می خوردید
šoxart	می خوردند

\* واژه های پایانی این شناسه ها هنگام چسبیدن به u و vist دو ستاک  
 حال و گذشته فعل xostvun (خواستن) به â تغییر می یابند  
 مثال :

mâu	می خواهم
dâu	می خواهی
šâu	می خواهد
mâu	می خواهیم
dâu	می خواهید
šâu	می خواهند

mâvist	می خواستم
dâvist	می خواستی
šâvist	می خواست
mâvist	می خواستیم
dâvist	می خواستید
šâvist	می خواستند

۲-۲ شناسه های زیر همیشه بدنبال ستاک می چسبند .

شخص	مفرد	جمع
اول	ε	im
دوم	i	id
سوم	a, ut, ʔ	εn

جدول ۳

## مثال:

našt	نشستم
našti	نشسته‌ای
našta	نشسته‌است
naštim	نشسته‌ایم
naštid	نشسته‌اید
našt ɛ n	نشسته‌اند

\* ut- فقط در سوم شخص مضارع اخباری و التزامی فعل لازم دیده می‌شود

باستثنای فعل bodvun (بودن).

m ɛ e <sup>1</sup>	š ɛ	میروم
tâe	ši	میروی
ine	šut	میروند
mōe	šim	میرویم
šmōe	šid	میروید
iy ɛ e	š ɛ n	میروند

\* سوم شخص مفرد گذشته ساده، فعل لازم و سوم شخص مفرد گذشته ساده، فعل

doštun (داشتن) در جایگاه فعل کمکی و نیز دوم شخص مفرد فعل امر لازم

و متعدی بدون شناسه است.

۳- رابطه ستاک با شناسه های صرفی

رابطه ستاک با شناسه و نوع آن بدو عامل بستگی دارد:

۱- لازم یا متعدی بودن فعل ۲- زمان فعل

\* در گذشته ساده و استمراری و نقلی فعل متعدی، شناسه همیشه پیش از ستاک

می‌آید و در زمانهای دیگر فعل متعدی و نیز در همه زمانهای فعل لازم شناسه همیشه به

پایان ستاک می‌چسبد.

\* تصریف فعل doštun (داشتن) هنگامیکه بعنوان یک فعل کمکی بکار

رود با تصریف فعل لازم یکسان است بدین معنی که در گذشته ساده آن شناسه بدنبال

ستاک می‌آید.

doštǣ	mexart	داشتم می خوردم
došti	dexart	داستی می خوردی
došto <sup>1</sup>	šexart	داشت می خورد
doštīm	moxart	داشتیم می خوردیم
doštīd	doxart	داشتید می خوردید
doštǣ n	šoxart	داشتند می خوردند

doštǣ	šoǣ	داشتم می رفتم
došti	šoi	داستی می رفتی
došto <sup>1</sup>	šo	داشت می رفت
doštīm	šoiṃ	داشتیم می رفتیم
doštīd	šoid	داشتید می رفتید
doštǣ n	šoǣ n	داشتند می رفتید

فعل xostvun از قاعدهٔ بالا جداست زیرا شناسه های صرفی آن قبل از سناک می آیند. (نگاه کنید به ص ۵۵)  
 ۴- ساختمان فعل:

ساختمان فعل برحسب دو عامل یادشده به ترتیب زیر است.  
 ۴-۱ فعل متعددی

۴-۱-۱ گذشته ساده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(شناسه های صرفی)  $\left[ \begin{array}{cc} \text{om-} & \text{mo-} \\ \text{od-} & \text{do-} \\ \text{oš-} & \text{šo-} \end{array} \right] +$  سناک گذشته

vōtvun (گفتن)

مثال:

omvōt	گفتم
odvōt	گفتی
ošvōt	گفت
movōt	گفتیم
dovōt	گفتید
šovot	گفتند

(پاورقی در صفحه بعد)

(برای آگاهی از دگرگونیهای واجی - واژگی این شناسه ها نگاه کنید به ص ۵۴)

۲-۱-۴ گذشته نقلی:

$$(شناسه های صرفی) \begin{bmatrix} \text{me-} & \text{mo-} \\ \text{de-} & \text{do-} \\ \text{\check{s}e-} & \text{\check{s}o-} \end{bmatrix} + \text{سناک گذشته} + \begin{bmatrix} -a \end{bmatrix}$$

مثال:

mevōta	گفته ام
devōta	گفته ای
\check{s}evōta	گفته است
movōta	گفته ایم
dovōta	گفته اید
\check{s}ovōta	گفته اند

(برای آگاهی از دگرگونیهای واجی - واژگی این شناسه ها نگاه کنید به ص

۵۵)

۲-۱-۴ گذشته استمراری:

$$(شناسه های صرفی) \begin{bmatrix} \text{me-} & \text{mo-} \\ \text{de-} & \text{do-} \\ \text{\check{s}e-} & \text{\check{s}o-} \end{bmatrix} + \text{سناک گذشته}$$

مثال:

mevōt	می گفتم
devōt	می گفتی
\check{s}evōt	می گفت
movōt	می گفتیم
dovōt	می گفتید
\check{s}ovōt	می گفتند

۲-۱-۴ گذشته استمراری در حال انجام:

۱- واکه ۰ نقش دستوری ندارد و صرفاً " برای جلوگیری از وقوع خوشه سه همخوانی میآید .



سناک گذشته فعل

došt<sup>vun</sup>

(شناسه های صرفی) +

$$\begin{bmatrix} -\varepsilon & im \\ -i & -id \\ -\emptyset & -\varepsilon n \end{bmatrix}$$

+

بعنوان فعل کمکی

(شناسه های صرفی)

$$\begin{bmatrix} me- & mo- \\ de- & do- \\ \check{s}e- & \check{so}- \end{bmatrix}$$

سناک گذشته +  
فعل اصلی

مثال:

došt <sup>vun</sup>	mevōt	داشتم می گفتم
došti	devōt	داشتی می گفتی
došto <sup>1</sup>	ševōt	داشت می گفت
došt <sup>im</sup>	movōt	داشتیم می گفتیم
došt <sup>id</sup>	dovōt	داشتید می گفتید
došt <sup>vun</sup> ε n	šovōt	داشتند می گفتند

۵ - ۱ - ۴ گذشته دور:

سناک گذشته فعل + گذشته نقلی فعل اصلی  
bōdvun (بودن)

مثال:

mevōta	bō	گفته بودم
devōta	bō	گفته بودی
ševōta	bō	گفته بود
movōta	bō	گفته بودیم
dovōta	bō	گفته بودید
šovōta	bō	گفته بودند

۶ - ۱ - ۴ حال اخباری:

(شناسه های صرفی) + سناک حال

$$\begin{bmatrix} -\varepsilon & -im \\ -i & -id \\ -a & -\varepsilon n \end{bmatrix}$$

vājε	می گویم
vāji	می گوئی
vāja	می گوید
vājim	می گوئیم
vājid	می گوئید
vājε n	می گویند

۴-۲ فعل لازم

۴-۲-۱ گذشته ساده:

→ (شناسه های صرفی) + ستاک گذشته

-ε	-im
-i	-id
-ε n	-ε n

مثال:

šoε	رفتم
soi	رفتی
so	رفت
soim	رفتیم
soid	رفتید
šoε n	رفتند

۴-۲-۲ گذشته نقلی:

→ (شناسه های صرفی) + ستاک گذشته

-ε	-im
-i	-id
-a	-ε n

štε	رفته ام
šti	رفته ای
šta	رفته است
štīm	رفته ایم
štīd	رفته اید
štε n	رفته اند

(پاورقی در صفحه بعد)

۴-۲-۳ گذشته استمراری :

$\longrightarrow$	
(شناسه های صرفی) + ستاک گذشته	$\left[ \begin{array}{ll} -\text{ε} & -im \\ -i & -id \\ -\emptyset & -\text{ε} n \end{array} \right]$

<p>šoε šoi šo šoim šoid šoε n</p>	<p>می رفتم می رفتی می رفت می رفتیم می رفتید می رفتند</p>
---	--

مثال :

۴-۲-۴ گذشته استمراری در حال انجام :

$\longrightarrow$	
ستاک گذشته فعل doštʋun + (شناسه های صرفی)	$\left[ \begin{array}{ll} -\text{ε} & -im \\ -i & -id \\ -\emptyset & -\text{ε} n \end{array} \right]$
بعنوان فعل کمکی	$\left[ \begin{array}{ll} -\text{ε} & -im \\ -i & -id \\ -\emptyset & -\text{ε} n \end{array} \right]$

<p>doštε došti doštoʔ doštʋim doštʋid doštε n</p>	<p>šoε šoi šo šoim šoid šoε n</p>	<p>داشتم می رفتم داستی می رفتی داشت می رفت داشتیم می رفتیم داشتید می رفتید داشتند می رفتند</p>	<p>مثال :</p>

- ۱- با احتمال زیاد صورت پیشین این فعل بر طبق قاعده بتدریج بنا به اصل کم کوشی به صورت بالا درآمدن است .
- ۲- نگاه کنید به پانویس ص ۵۸

۵-۲-۴ گذشته دور:

→

سناک گذشته فعل اصلی +  $\left[ \begin{matrix} -a \end{matrix} \right]$  + سناک گذشته فعل  
 $\left[ \begin{matrix} -\text{im} \\ -\text{id} \\ -\text{en} \end{matrix} \right]$  (شناسه های صرفی) +  $\left[ \begin{matrix} -\text{e} \\ -\text{i} \\ -\emptyset \end{matrix} \right]$

bōdvun  
مثال:

šta	bōe	رفته بودم
šta	bōi	رفته بودی
šta	bō	رفته بود
šta	bōim	رفته بودیم
šta	bōid	رفته بودید
šta	bōen	رفته بودند

→

(شناسه های صرفی) + سناک حال  
 $\left[ \begin{matrix} -\text{im} \\ -\text{id} \\ -\text{en} \end{matrix} \right]$

۶-۲-۴ حال اخباری:  
 $\left[ \begin{matrix} -\text{e} \\ -\text{i} \\ -\text{ut} \end{matrix} \right]$   
 مثال:

še	میروم
ši	میروی
šut	میروند
šim	میرویم
šid	میروید
šen	میروند

۱- شناسه سوم شخص مفرد حال اخباری فعل bodvun (بودن) -a است

نگاه کنید به ص ۵۶

۲- واژه پایانی سناک حال یعنی a برای آسانی تلفظ میافتد.

۴-۳ لارم و متعدی بطور یکسان

۴-۳-۱ حال اخباری در حال انجام :



doštʋun      حال اخباری فعل اصلی + حال اخباری فعل

مثال :

dorɛ	vāʃɛ	دارم می گویم
dori	vāʃi	داری می گوئی
dora	vāʃa	دارد می گوید
dorim	vāʃim	داریم می گوئیم
dorid	vāʃid	دارید می گوئید
dorɛ n	vāʃɛ n	دارند می گویند

dorɛ	šɛ	دارم میروم
dori	ši	داری میروی
dora	šut	دارد میرود
dorim	šim	داریم میرویم
dorid	šid	دارید میروید
dorɛ n	šɛ n	دارند میروند

۴-۳-۲ حال التزامی :



$\left[ \text{ve-} \right]^1 + \text{ (شناسه های صرفی) + ستاک حال } \begin{bmatrix} -\text{ɛ} & -\text{im} \\ -\text{i} & -\text{id} \\ -\text{a-ut}^2 & -\text{ɛ}^n \end{bmatrix}$

omodvun (آمدن) که ستاک

۱- گونه دیگر این پیشوند یعنی -bi در فعل

آن ̄o است بکار میروند. نگاه کنید به ص ۶۴

۲- شناسه صرفی برای سوم شخص مفرد فعل لازم.

## مثال:

vevāĵt	بگویم
vevāĵi	بگوئی
vevāĵa	بگوید
vevāĵim	بگوئیم
vevāĵid	بگوئید
vevāĵn	بگویند

vešt	بروم
veši	بروی
vešut	برود
vešim	برویم
vešid	بروید
vešn	بروند

۳-۳-۴ امر:

$\left[ \begin{array}{l} \text{دوم شخص مفرد} \\ \text{دوم شخص جمع} \end{array} \right] \left[ \begin{array}{l} -\emptyset \\ -id \end{array} \right] \text{ (شناسه های صرفی) + ستاک حال + } \left[ \text{ve- (bi-)} \right]$

\* اگر آغاز ستاک همخوان باشد پیشوند-ve افزوده میشود و در صورتیکه واکه باشد پیشوند bi- میآید. در صورت اخیر، نیم واکه y که همان مرحله انتقال از واکه اول به واکه دوم است شنیده میشود.

\* گونه دیگری ازین پیشوند بصورت -a ویژه افعال grāftvun ,  
 št dvun و (گرفتن) prontvun و (دادن) dodvun

(برداشتن) است.

مثال:

vevā	بگو
vevāĵid	بگوئید
vešā	برو

vešid	بروید
biyō	بیا
biyōid	بیائید
agor <sup>۱</sup>	بگیر
agorid	بگیرید
apron <sup>۲</sup>	بگیر
apronid	بگیرید
aden	بده
atid	بدهید
aštin	بردار
aštinid	بردارید

\* فعل امر از مصدر xostvun (خواستن) بصورت زیر است:

dāvista bā بخواه (خواسته باش)

dāvista bid بخواید (خواسته باشید)

\* فعل امر از مصدر bodvun (بودن)، هم با پیشوند و هم بدون آن

بکار میرود.

مثال:

vebā باش

bā " (پیشوند حذف شده)

vebid باشید

bid " (پیشوند حذف شده)

۴-۲ آینده: در این کوشش ساختمان ویژه‌ای برای آینده وجود ندارد و زمان حال در معنی آینده بکار میرود.

۵-۴ روش منفی کردن فعل:

\* نشانه نفی پیشوند های ma- و na- و ne- است که همیشه پیش

۱- هنگام دادن چیزی به کسی گفته میشود.

۲- هنگام انداختن یا پرتاب کردن چیزی به طرف کسی گفته میشود.

از ستاک می‌آیند .

■ گذشته نقلی و گذشته دور با -ne و دیگر زمانها با -na منفی میشوند .

■ در فعلهائی که شناسه صرفی پیش از ستاک است پیشوند نفی پس از شناسه می‌آید .

■ در فعلهائی که دارای فعل کمکی هستند پیشوند نفی همیشه پیش از ستاک فعل اصلی قرار می‌گیرد .

■ در فعلهای مرکب نشانه نفی به آغاز جزء فعلی می‌چسبد .

■ فعل استمراری در حال انجام صورت منفی ندارد .

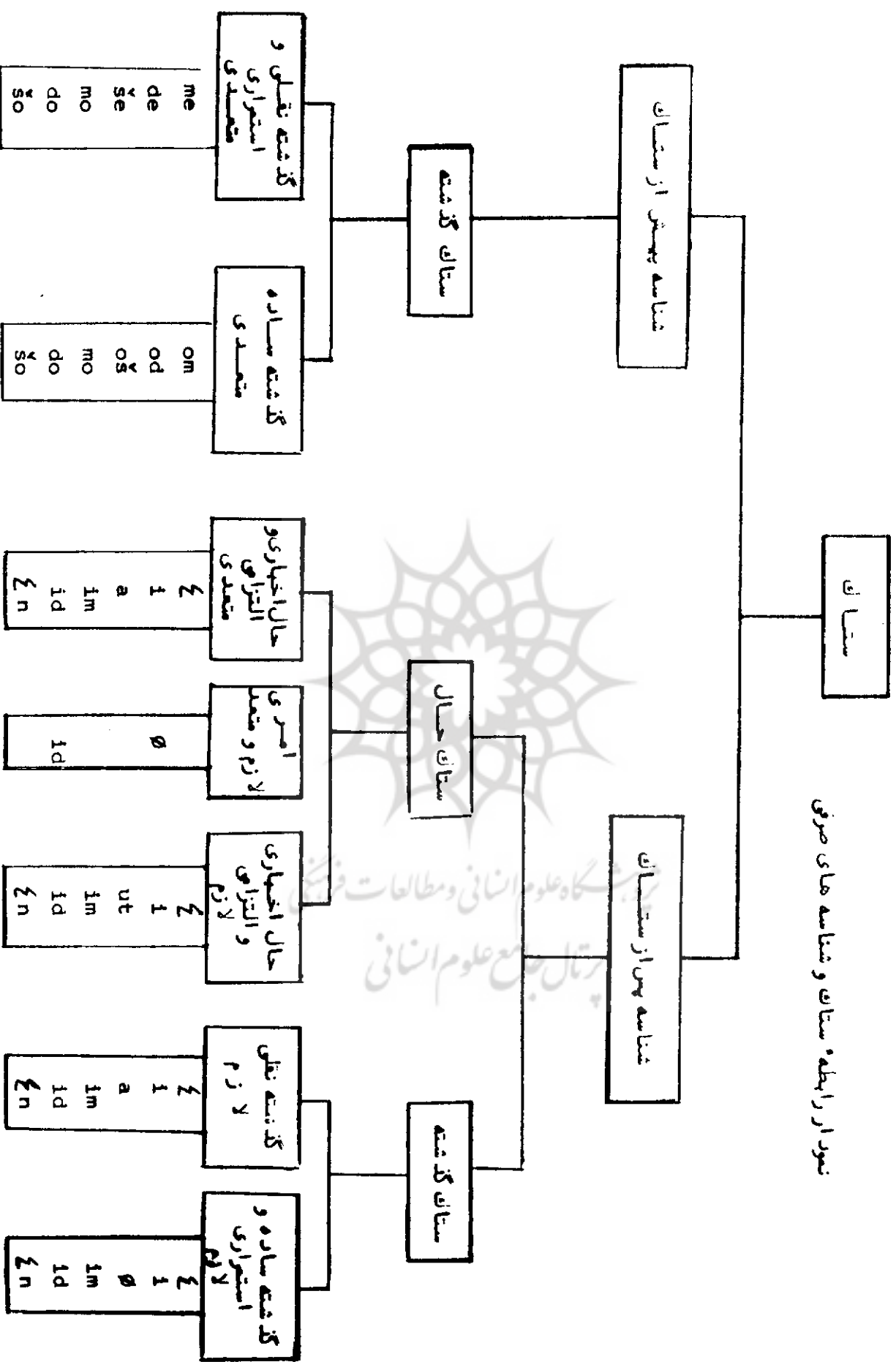
■ اگر آغاز ستاک واکه باشد معمولاً " واکه" پیشوند نفی می‌افتد .

مثال :

nadōra	ندارد
navini	نمی‌بینی
navinim	نمی‌بینم
nemō a	نیامده است
mo nexārta	نخورده‌ایم
še nevota	نگفته است
šo nadi	ندیدند
nešta bō	نرفته بودم
denevōta bō	نگفته بودی
gemun naker	گمان نمی‌کنم
nu (y)	نمی‌آیم
manig	منشین
maxo	مخور



نمودار رابطه ستاک و شناسه های صرفی



## ب - ضمیر

## ۱- ضمیرهای شخصی جدا:

مفرد		جمع	
mε	من	mō	ما
tâ	تو	šmō	شما
in	او	iyε	آنها

جدول ۴

\* ضمیرهای بالا در حالت فاعلی و مفعولی و اضافی بطور یکسان بکار میروند.

مثال:

من تو را دیدم      mε      tām      di  
 بانو من و او را دید      bānu      mε      o      inoš      di  
 ما او را در خانه خود دیدیم      mō      in      tu      kōε      xāš      modi  
 \* رابطه هم نشینی بین ضمیرهای شخصی جدا، هنگامی که در جای فاعل قرار گیرند و شناسه های صرفی در جدول زیر نشان داده شده است.

ضمیرهای فاعلی	← ستاک →
mε	om- , me-      -ε
tâ	od- , de-      -i
in	oš- , še-      -∅, -a, -ut
mō	mo-      -im
šmō	do-      -id
iyε	šo-      -{n

جدول ۵

در ستون ۲ جدول بالا شناسه هائی که همیشه پیش از ستاک و در ستون ۳ شناسه هائی که همیشه پس از ستاک قرار میگیرند آمده است. این جدول نمایشگر رابطه

دستوری بین ضمیر فاعلی و امکانات صرفی فعل مربوط به آن است. مثلاً "اگر فاعل in باشد، بسته به لازم یا متعدی بودن فعل و نیز زمان فعل که پیش از این گفته شد، ۵ امکان صرفی برای فعل مربوط به آن دیده میشود و اگر فاعل یکی از ضمیرهای جمع باشد تنها دو امکان صرفی برای فعل مربوط به آن وجود دارد.

## ۲- ضمیرهای اشاره:

mo	این	o	آن
mi <sup>۱</sup>	اینها	i <sup>۲</sup>	آنها

\* ضمیرهای بالا بصورت صفت اشاره همراه با اسم بکار میروند و در اینصورت از نظر مفرد و جمع بودن، با اسم بعد از خود هم آهنگی دارند.

\* هنگامی که ضمیرهای مفرد همراه با اسم مفرد هستند معمولاً "یک(-a) ع- بدنبال موصوف افزوده میشود و ظاهراً "این واژگ نقش تاء کید در معرفه بودن موصوف را بعهدده دارد.

مثال:

mo	m ɛ rdun ɛ	این مرد
mi	m ɛ rduno	این مردها
o	yanun ɛ	آن زن
i	yanuno	آن زنها
mo	zor ɛ	این دیوار
mi	zoro	این دیوارها
o	xar ɛ	آن خر
i	xaro	آن خرها

۱- گونه دیگر ɛ miy است که نقش سبکی دارد.

۲- گونه دیگر ɛ iy است که نقش سبکی دارد.

پ - واژگ ها :

۱- پسوندهای ملکی :

شخص	مفرد	جمع
اول	om	mo
دوم	od	do
سوم	oš	šo

### جدول ۶

مثال :

be o arom

برادرم

bōšo

باغشان

xaroš

خرش

\* اگر جزء پیش از واژگ به واکه پایان یافته باشد معمولا " واکه آغازی واژگ

می افتد :

xās

خودش

۲- اضافه :

\* نشانه انواع اضافه واژگ -e است که بدنبال مضاف می چسبد .

\* در صفت و موصوف بدنبال موصوف می آید .

\* هرگاه جزء اول اضافه (مضاف) به واکه پایان یابد واژگ -e گاهی بشکل y

و گاهی بصورت یک واکه کشیده ظاهر میشود .

مثال :

ruže

š mbe

روز شنبه

pore

parviz

پسر پرویز

m rdune

mas

مردان بزرگ

haptey

be

هفته دیگر

de: mō

ده ما

۳- وابسته به فعل :

\* قبل از همه فعلهایک -e ظاهر میشود که به پایان هر جزئی که بلافاصله پیش از فعل باشد می‌چسبد. ولی این -e پیش از فعلهایی که شناسه صرفی آنها قبل از ستاک است دیده نمیشود.

مثال: (پس از فاعل) اورفته بود 1- ine šta bō

2- mō bō māšine mōim

(پس از مفعول با واسطه) ما با ماشین آمدیم

3. mō iy : navinim (پس از مفعول بیواسطه) ما آنها را نمی‌بینیم

4- iy hanōme nešta bo n (پس از قید) آنها هنوز نرفته بودند

5- iy Kōri (y) e Kr n (پس از جزء اول فعل مرکب) آنها کار می‌کنند

شاید -e در جمله های (۲۰۱) و (۴) نقش میانجی برای جلوگیری از وقوع خوسه های همخوانی داشته باشد که در این صورت یک عامل فونولوژیکی است نه دستوری.

۴- نفی :

na-, ne-, ma-

(برای آگاهی از کار برد واژه های نفی نگاه کنید به ص ۶۶-۶۵)

۵- اسم مفعول :

\* با افزودن پسوند -a به سوم شخص مفرد گذشته ساده اسم مفعول بدست می آید :

xārta

šta

خورده

رفته

۶- جمع :

\* برای جمع بستن اسم پسوندهای -un و -o بکار میروند. -un تنها برای جمع بستن واژه های مرد، زن، پسر، دختر، خواهر و برادر بکار می رود و اسمهای دیگر با -o جمع بسته میشوند.

۱- برای اظهار نظر قطعی در مورد این -e به مواد بیشتر و مطالعه بیشتر نیاز است.

مثال:

m ɛ rdun	مردها
yanun	زنها
xv ɛ run	خواهرها
dv ɛ run	برادرها
porogun	پسرها ، پسر بچه ها
dotogun	دخترها ، دختر بچه ها
paro	برگها
draxto	درختها
m ɛ ro	مادرها
zoro	دیوارها

\* گاهی در پاره‌ای از اسم‌ها تمایز مفرد و جمع خنثی می‌شود و هر یک می‌توانند بجای دیگری بکار رود. واژه‌های مرد و زن از این گروه‌اند و حتی صورت مفرد آنها کمتر بکار می‌رود.  
مثال:

yanun	زن ، زن‌ها
m ɛ rdun	مرد ، مرد‌ها

\* واژه‌هایی ک‌با -un جمع بسته شده‌اند گاهی علاوه بر آن پسوند دیگر جمع یعنی -o را نیز می‌گیرند. واژه‌ای که بدین ترتیب جمع بسته شود دیگر نمی‌تواند در معنی مفرد بکار رود.  
مثال:

m ɛ rduno	مردها
yanuno	زن‌ها
poroguno	پسرها

۷- تصغیر:

\* نشانه تصغیر پسوند -og است ولی گاهی نقش معنایی خود را از دست می‌دهد و این موضوع بویژه هنگام جمع بستن واژه‌های پسر و دختر دیده می‌شود تا آنجا که

سینوان گفت که این دواژه را نمیتوان بدون -og جمع بست .  
مثال :

por	پسر
porog	پسر، پسرک
porogun	پسرها
dotog	دختر، دخترک
dotogun	دخترها
xarog	خرک

۸- معرفه :

نشانه معرفه پسوند ع- است که فقط بدنبال اسمهای همراه باصفت اشاره میآید .  
( نگاه کنید به ص ۶۹ )

۹- نکره :

نشانه نکره پسوند -i است .

مثال :

comi	چیزی
yanuni	زنی
karki	مرغی
gowi	گاوی

\* عدد yak (یک) تقریباً همیشه با این پسوند بکار میرود :

yaki m rdunom di	یک مرد دیدم
yaki dot	یک دختر

۱۰- صفت برتر و برترین :

\* نشانه برتر و برترین به ترتیب پسوندهای -tar و tarin است که بدنبال صفت افزوده میشوند :

vahtar	بهتر
vahtarin yanun	بهترین زن

۱۱- عطف :

واژک o دو واژه را به یکدیگر می‌پیوندد:

مثال:

məoïn	من و او
mō ŝum moxârto ŝoim	ما شام خوردیم و رفتیم

۱۲- ربط :

\* واژکهای ge (که) و ge (یا) با صورت آوائی یکسان دو جمله یا دوپاره جمله را به هم ربط میدهند.

مثال:

gemun nakerə ge in vešut

گمان نمی‌کنم که او برود

emru ŝi ge h rdō?

امروز می‌روی یا فردا؟

۱۳- موصول :

\* واژک ge نقش موصولی نیز دارد.

mə rdunige dōra ŝut gap pore kō a

مردی که دارد می‌رود خیلی حرف میزند (پرحرف است)

۱۴- شرط :

agar و گونه دیگر آن əg در جمله های شرطی بکار میروند.

əg tā veši məj i šə

اگر تو بروی من هم میروم

۱۵- برخی واژک های مفعول ساز:

\* این واژک ها اسم بعد از خود را بصورت مفعول با واسطه در می آورند.

[a] (از)



in a ke **ه** birune **ا** sta bō

h **ه** rdo m **ه** tu bō h **ه**

šmō bō pe **ه** ardo **ا** šoid

in **ه** mru be de: mō tōt

šmō **ا** comi be mō do navōt

او از خانه بیرون رفته بود

(در) [tu]

فردا من در باغ هستم

(با) [bō]

شما با پدرتان میرفتید

(به) [be]

او امروز به ده ما می آید

شما چیزی به ما نگفتید

### نمودار واژگها

نوع واژک	صورت آوایی واژک
ملکی	om , od , oš , mo , do , šo
اضافه	e
وابسته به فعل	e
نقی	na , ne , ma
اسم مفعولی	a
جمع	un , o
تصغیر	og
معرفه	<b>ا</b> (a)
نکره	i
برتر و برترین	tar , tarin
عطف	o
ربط	ge , ge
موصول	ge
شرط	agar , ag <b>ا</b>
مفعولی	a , tu , bō , be

## کتاب شناسی

- کارهائی که تا کنون در زمینه گویش دری، گونه یزدی انجام شده عبارتند از:
- ۱- فرهنگ بهدنیان، تالیف جمشید سروش سروشیان، به کوشش منوچهر ستوده، ۲۵۱۵ (۱۳۳۵). واژه نامه‌ای است شامل ۴۵۰۰ واژه که آمیزه‌ای است از گویش زردشتیان کرمان و یزد.
  - ۲- واژه نامه دری، تالیف کتایون مزداپور. این کتاب شامل حدود ۹۰۰۰ واژه است که بر پایه کتاب "راهنمای گردآوری گویشها" تالیف صادق کیا، در فرهنگستان زبان ایران فراهم شده تالیف کتاب در سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱) به پایان رسید ولی تاکنون به چاپ نرسیده است.
  - 3-Recherches sur les Dialects Persans, I. Berésine. Casan, 1853.
  - 4-Deri Phrases And Dialogues , E.Rehatsek. the Indian Aniquary ,Vol. II , 1873
  - 5-Uber die Mundart von Jezd ,F.Justi.ZDMG , 1887
  - 6-Die Parsen in Persien , ihre Sprache und einige ihre Gebrauche , A.Houtum-Schindler,ZDMG, vol . xxxvl .
  - 7-Note sur le Prétendu déri des Parsis de yezd , C.Huart. Journal Asiatique , 1888.
  - 8-Notice d'un manuscrit Pehlevi-Musulman de la bibliotique de Saint-Sophie à Constantinopole , C.Huart. Journal Asiatique , 1889.
  - 9-The Gabri Dialect spoken by the Zoroastrians of Persia, W.Ivanow
  - 10- A Specimen of the Gabri Dialect of Persia , E.G Browne. JRAS, 1897.
  - 11-Central Dialect, W. Geiger, Grundriss der Iran-ischen Philologie, Vol. I, part II
  - 12-Notes on the Gabri Dialect of Modern Persian.

۷۷

D.L.R. Lorimer. JRAS , 1916

13-Is There a Gabri Dialect of Modern Persian, D.  
L.R. Lorimer. JRAS , 1928.

14-Late Prof. E.G. Brown's Specimen of the Gabri  
Dialect , W. Ivanow . JRAS , 1932.

15- Petermann-Justi,s Gabri-Uebersetzungen,W. Ivan  
-ow. Islamica, 1932.

16-Yazdi , H.w. Bailey . Indian and Iranian stud-  
ies , 7Th . January 1936.

